

دادگاهی شدن به دلیل امتناع از فروش خانه به خارجی‌ها!

اداره فدرال ایالت میشیسیگان آمریکا از جیمز پراتر سرباز بازنشسته جنگ عراق بدلیل نصب تابلو "غیرقابل فروش به خارجی‌ها" در حیاط خانه‌اش در شهر ماسون این ایالت به دادگاه شکایت کرده است. جیمز پراتر که قصد فروش خانه خود را دارد با نصب این تابلو نشان داده که قصد فروش خانه خود به خارجی‌ها را ندارد. نوشتن عبارت، نقض "قوانین فدرال و دولتی مقابله با تبعیض مبتنی بر ریشه‌های ملی" عنوان شده است.

خبر تلگرامی

پلیس "باوتسن" آلمان ورود یک پناهجو را به شهر ممنوع کرد

نیروی دریایی ارتش یمن هدف قرار دادن یک کشتی جنگی اماراتی در سواحل المخرا تایید کرد

در تصادف دو قطار در مصر ده‌ها نفر کشته و حدود صد نفر زخمی شده‌اند. تصادف در حوالی اسکندریه روی داده است.

روزنامه رسمی کره شمالی از داوطلب شدن حدود ۳.۵ میلیون نفر از مردم این کشور برای حضور در ارتش همزمان با افزایش تهدیدهای آمریکا خبر داد.

مقتدی صدر خواهان مشارکت آیت‌الله سیستانی در بحث مربوط به حشد شعبی است

اتحادیه اروپا

نشست اضطراری اتحادیه با موضوع پیونگ یانگ - کاخ سفید!

قرار است نشست ویژه برای بحث و تبادل نظر در مورد بحران میان کره شمالی و آمریکا در بروکسل برگزار شود. در این نشست از اعضای کمیته امنیت سیاسی دعوت شده است. نشست عادی این کمیته قرار بود روز ۳۱ اوت (۹ شهریور) برگزار شود. به گفته فدریکا موگرتینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در گفتگوهای این نشست قدم‌های احتمالی این اتحادیه در قبال بحران کره شمالی بررسی خواهد شد. مواردی که در این نشست به بحث گذاشته می‌شوند، آزمایشات موشکی اخیر کره شمالی و همچنین تهدیدهای متقابل رئیس جمهوری آمریکا و رهبری کره شمالی است.

برنامه شریعتمداری در مان دردهای مزمن

ادامه از صفحه اول:

اما باورهای شریعتمداری در برنامه پیشنهادی و همچنین کارنامه مدیریت اش نشانگر نگرش و بینش عمیق او نسبت به موضوعات مبتلا به صنعت، معدن و تجارت وای تعلقات و دیدگاه‌های سیاسی است.

در واقع گفت‌وگو و کارنامه مدیریتی شریعتمداری ثابت می‌کند که وی برای حل ریشه‌ای مشکلات به متخصصین متعهد با هر دیدگاه سیاسی نگاه ویژه‌ای دارد.

از سوی دیگر با مرور برنامه محمدشریعتمداری برای وزارت صنعت، معدن و تجارت و به گواهی کارشناسان اقتصادی، به جرات می‌توان گفت یکی از عملی‌ترین برنامه‌های پس از انقلاب را در این حوزه نظاره گر هستیم.

نکته اساسی این که دیگر بحث فرد مطرح نیست، برنامه پیشنهادی شریعتمداری، برنامه‌ای عمل‌گرایانه و تحولی‌شگرف در آینده بلند مدت و تغییرات مثبت ملموس در کوتاه مدت را جهت افزایش و رونق تولید ملی تضمین می‌نماید.

شریعتمداری رای اعتماد مجلس را بگیرد یا نگیرد، وزیر بشود یا نشود، درمان اصلی دردهای مزمن صنعت، معدن و تجارت برنامه پیشنهادی وی خواهد بود.

گزارش‌های میدانی در طول یک هفته گذشته نشان از رضایت بی‌مثال اقتصاددانان و متخصصان امر نسبت به برنامه شریعتمداری و خود او برای تصدی وزارت دارد.

رای به شریعتمداری و برنامه‌اش، رای به ارتقای سطح کیفی صنعت و رونق تولید ملی و البته تسهیل تجارت است.

به هر تقدیر سه شنبه آزمون سخت برای نمایندگان مجلس خواهد بود.

باید دید نمایندگان نگاهی ملی و تخصصی برای رای دادن به وزاری پیشنهادی دارند یا این که در تقابل منافع شخصی و جناحی خود و مطالبات به حق مردم، به تعلقات شخصی و جناحی خود رای داده که البته در این صورت باید پاسخگوی رای خود به مردم باشند.

آفتاب یزد - رضا بردستانی: قدرتمندترین زن حال حاضر جهان، رهبر یکی از دو کشور تأثیرگذار بر تمامی سیاست‌های اتحادیه اروپا و مهم‌ترین نامزد انتخابات پارلمانی ۲۰۱۷ آلمان، مِرکل از جمیع جهات می‌تواند برنده قاطع این مبارزه انتخاباتی باشد اما احزاب رقیب، چهره‌هایی که می‌کوشند چهارمین صدراعظمی نصیب مِرکل نشود و برخی رسانه‌های وابسته به مخالفان مِرکل، در بسوق و کرنا کرده‌اند که این مِرکل با آن زنی که در جهان محبوب است، از زمین تا آسمان برای مردم آلمان تفاوت دارد.

نگاه جهان در این هفته‌ها و ماه‌ها، بیش از پیش متوجه آلمان است. بسیاری از مردم جهان با تحسین و قدرشناسی به آلمان می‌نگرند. اما هستند کسانی که نگاهی متفاوت به آلمان دارند. برخی از منظر رشک و حسد می‌پرسند چگونه آلمان توانسته است به‌رغم چالش‌ها و مشکلات بسیار این چنین با اقتدار و ثبات از آزمون‌ها موفق عبور کند. برخی دیگر هم از فراز آمدن کشوری مقتدر در قلب اروپا هراس دارند. برخی آلمان و صدراعظم آن، یعنی آنگلا مِرکل را آخرین دژ اتحادیه اروپا می‌دانند که مانع از فروپاشی این اتحادیه می‌شود و برخی دیگر اما آلمان را بدان متهم می‌کنند که سیاست‌ها و قواعد خود را با بهره گرفتن از جایگاه مستحکم خود به دیگران تحمیل می‌کند و در این کار نه به خیر و صلاح اروپا بلکه تنها به منافع خود می‌اندیشد، و همه چیز را در خدمت قهرمان صادرات جهان و نماد معجزه پایدار اقتصادی می‌خواهد.

راست‌گراها و پوپولیست‌ها تحت عنوان «آلترناتیو برای آلمان» از هم اکنون خط و نشان کشیده‌اند که کارگرانی که تضمینی برای آینده شغلی خود ندارند قطعاً به مِرکل رأی نخواهند داد. از سویی دیگر مارتین شولتس که پیش از این رئیس پارلمان اتحادیه اروپا بود، حال باید خود را برای رقابت با آنگلا مِرکل در انتخابات آینده آلمان بر سر تصدی مقام صدراعظمی این کشور آماده کند اما این همه ماجرا نیست.

اروپا از افراطی‌گری به شدت بهریز دارد، نمونه بارز آن فرانسه که لوین با همه شهرت پشت درهای بسته عدم اعتماد مردم محو شد. آلمان‌ها حالا یک سر و گردن از اتحادیه اروپا ستر هستند اما آن چه انتخابات آتی آلمان را مهم جلوه می‌دهد چهره دوگانه آنگلا مِرکل است، زنی قدرتمند که تلاش کرد حتی ترامپ را نیز



برای کشور آلمان، ایالات متحده اهمیت زیادی دارد اما با سیاست‌های ترامپ در زمینه‌های مختلف کاملاً با تضاد فکری روبه‌رو است. خانم مِرکل اگر ۲ درصد بودجه ناتو جواب صد درصد منفی بدهد، طبیعتاً با لاج بازی ترامپ روبه‌رو می‌شد

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا ضمن تکرار تهدیدهای خود علیه کره شمالی در برابر خبرنگاران گفت که احتمال استفاده از گزینه نظامی علیه ونزوئلا را مردود نمی‌داند. بلافاصله پس از این سخنان وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) اعلام کرد که هیچ طرح معینی دال بر تدارک حمله نظامی به ونزوئلا وجود ندارد. هم‌زمان ولادیمیر پادریونو، وزیر دفاع ونزوئلا سخنان ترامپ را "حماقت" دانست. دولت کاراکاس بارها آمریکا را متهم کرده



است که قصد مداخله نظامی در این کشور را دارد. به گفته ارنستو ویلگاس، سخنگوی دولت ونزوئلا وزارت امور خارجه این کشور بیانیه‌ای در ارتباط با تهدیدهای دونالد ترامپ خواهد داد. او در تویتر نوشت: «وزارت امور خارجه ما بیانیه‌ای رسمی در رد تهدیدهای امپریالیستی منتشر می‌کند.» در همین حال وزیر دفاع ونزوئلا از دستگیری گروهی از ارتشیان ونزوئلا که به یکی از پایگاه‌های نظامی این کشور حمله کرده بودند، خبر داد. آن‌ها

بررسی جایگاه صدراعظم آلمان در انتخابات پیش‌رو در گفتگوی آفتاب یزد با عبدالرضا فرجی:

مرکل ترامپ را کنترل کرد



دیدگاه خود را در مورد این گزارش به پیام کوتاه ۳۰۰۰۱۴۲۸ ارسال کنید

راست‌گراها و پوپولیست‌ها تحت عنوان آلترناتیو برای آلمان، از هم اکنون خط و نشان کشیده‌اند که کارگرانی که تضمینی برای آینده شغلی خود ندارند قطعاً به مِرکل رأی نخواهند داد. از سویی دیگر مارتین شولتس که پیش از این رئیس پارلمان اتحادیه اروپا بود، حال باید خود را برای رقابت با آنگلا مِرکل در انتخابات آینده آلمان بر سر تصدی مقام صدراعظمی این کشور آماده کند اما این همه ماجرا نیست

کمی ضربه خورد. اما با گذشت زمان مقداری ترمیم شد و البته چهره جهانی خانم مِرکل خوب و مثبت است. چهره جهانی و ملی مِرکل خیلی با هم تفاوتی ندارد. بعد از بمب‌گذاری‌ها و مسائل پناهندگان که در بره‌های حاد شد، چهره داخلی وی ضربه خورد و رو به افول گذاشت، اما توانست آن را ترمیم کند. هرچند الان بین چهره جهانی و داخلی مِرکل فاصله وجود دارد. البته اگر مسائل بمب‌گذاری‌ها که مردم، آن را ناشی از ورود پناهندگان تلقی کردند، نبود، چهره جهانی و ملی وی با هم برابری می‌کرد. البته که وی یک سیاستمدار دو چهره است. مردم با او سر و کار دارند، احزاب رقیب تبلیغات می‌کنند، تعدادی مخالف نیز در کشور آلمان دارد که شاید در سطح دنیا به این تعداد نباشند.

اما این فاصله خیلی نیست و با توجه به این که رقیب وی سخت و خیلی محبوب نیست، سخنرانی قوی نیست. طبیعتاً یک سیاست‌مدار شناخته شده، رئیس پارلمان اروپا بوده، اما خیلی نتوانسته مانند سایر رهبران حزب سوسیالیسم گل کند.

در چهره و سیمای خانم مِرکل نقش نشستن بر صندلی سازمان ملل را می‌بینید؟ بله! این شخصیت در ایشان دیده می‌شود. البته قضاوت در این مورد زود است. باید توجه داشت که قرار است وی یک دوره دیگر ریاست بر آلمان داشته باشد. او استانداردهای نشست بر روی صندلی دبیر کلی را دارد. از خیلی‌ها که دبیر کل سازمان ملل شده‌اند، حداقل در این چهار، پنج مورد اخیر؛ ایشان وضعیت بسیار بهتری دارد.

جدی گرفته شود. اما هر چه هست منطقه خود را آماده روبرو شدن با شرایط جدیدی می‌کند.

هرچند شدت گزارش این تغییرات احتمالاً به اندازه‌ای نخواهد بود که بدنه سیاسی نیروهای سنتی عراقی را از متحد دیرینه‌شان ایسران دور و یا در مقابل آن قرار دهد. اما علی‌القاعده باید تحولات کنونی برای تهران مهم باشد. حضور و نفوذ ایران در عراق نکته‌ای نیست که بتوان آن را انکار کرد و یا نادیده گرفت. اما نحوه بازی، قدرت‌مانور و انعطاف از تجارته سیاست خارجی و منطقه‌ای ایران در عراق نسبت به گذشته با پیچیدگی‌هایی روبرو خواهد شد. اما اینکه تهران متصدد است چه استراتژی راهبردی پیش بگیرد، دقیقاً نمی‌دانیم! فقط مطمئن هستیم شرایط به سهولت گذشته نخواهد بود.

با حرف‌های ترامپ، ناتو در آستانه فروپاشی بود. البته روی حرف‌های ترامپ جامعه سیاسی و بین‌المللی نمی‌تواند زیاد حساب باز کند. اما اگر آن حرف‌ها را ملاک قرار دهیم، می‌توان گفت ناتو در آستانه فروپاشی بود. اروپایی‌ها بسیار دقیق در جلسه اول با ترامپ پذیرفتند که ۲ درصد را پرداخت کنند.

بنابراین مدیریت خوبی صورت گرفت. در مورد سایر مسائل نیز، خانم مِرکل فاصله خود را با ترامپ حفظ کرد و در واقع باعث شد ترامپ در بعضی از سیاست‌هایش موفق نشود. لذا در خصوص مسائل منطقه‌ای خاورمیانه در رابطه با مسائل ایران، با ترامپ همراهی نکردند. اما خانم مِرکل سروسا به راه نینداخت و به آهستگی، یک قدم به عقب، دو قدم به جلو حرکت کرد و توانست ترامپ را مدیریت کند.

هم اکنون نیز هیچ رضایتی از ترامپ ندارند اما به آینده امیدوارند. بنده فکر می‌کنم، مردم آلمان و اروپا به خوبی متوجه این شرایط می‌شوند و این نوع مدیریت برای مِرکل نسه تنها باعث ریزش طرفداران نمی‌شود بلکه رای می‌آورد. مدیریت حزب سوسیالیسم در دوره‌ای که خانم مِرکل با این‌ها وارد جنگ شده بودند، خود یکی از امتیازهایی است که برای مِرکل در انتخابات ارزشمند است.

یکی از مسائلی که دنیا با آن درگیر است، بحث جنجالی دخالت روسیه در انتخابات ایالات متحده آمریکا است. آیا سیستم انتخاباتی آلمان این اجازه را به روس‌ها می‌دهد که چنین دخالتی در آلمان هم داشته باشند، به فرض این که دخالت روس‌ها را در انتخابات آمریکا بپذیریم (یعنی اگر تلوپا آن را تایید کنیم)؟

اولاً اروپایی‌ها بعد از موضع فرانسه حواسشان را جمع کردند و روس‌ها تلاش کردند که در مورد فرانسه هم دخالت کنند. مسئله فرانسه، کاندیدایی که در مقابل مکرون وجود داشت (مثل ترامپ) خانم لوپن، راست‌گرای افراطی بود و در واقع رای او نزدیک و شانس بالایی داشت و با توجه به اتفاقی که در آمریکا افتاده بود، شعارهایش کپی شده از ترامپ بود. اما در آلمان چنین مسائلی قرار ندارد. نظر اکثریت این است که خانم مِرکل نباید در برابر موضع‌گیری‌های ترامپ کوتاه بیاید. تا چه اندازه این انتقاد را وارد می‌دانید؟

یکی از موفقیت‌های خانم مِرکل، مدیریت ترامپ بود. می‌توان گفت آلمان بعد از انگلیس مهم‌ترین متحد آمریکا است. آلمان یک کشور خشکی به حساب می‌آید، نزدیک به روسیه است و باید از بلوک شرق، کشورهای شرقی سابق که عضو ناتو شدند، دفاع کند و مسائل امنیتی جدی دارد.

بنابراین برای کشور آلمان، ایالات متحده اهمیت زیادی دارد. اما با سیاست‌های آقای ترامپ در زمینه‌های مختلف کاملاً با تضاد فکری روبه‌رو است. خانم مِرکل اگر می‌خواست برای آن ۲ درصد بودجه ناتو جواب صد درصد منفی بدهد، طبیعتاً با لاج بازی ترامپ روبه‌رو می‌شد.

تا حدودی تأمین کند، تروریسم را کنترل کند و هم رضایت مردم را مجدداً جلب کند. مجموعه‌ای از این عوامل باعث شده که خانم مِرکل در آلمان تثبیت شود و به احتمال قوی رای بیشتری را نسبت به رقیب خود آقای شولتس کسب خواهد کرد. ضمن این که آقای شولتس هنوز نتوانسته خود را برای مردم آلمان به اثبات برساند و شاید هم بتوان گفت، در پارلمان اروپایی ایشان نقش فعال و چشم‌گیری نداشته، بنابراین بین خانم مِرکل و آقای شولتس طبیعی است که مردم آلمان مجدداً خانم مِرکل را انتخاب کنند، مگر این که حادثه غیرمنتظره‌ای رخ دهد.

یکی از بنیادهای پژوهشی هانس بولکر) معتقد بود که حزب «آلترناتیو برای آلمان» همه‌تمرکز و فشار را بر روی کنفدراسیون‌های کارگری آلمان گذاشته است. به نظر شما این حزب که به نوعی بنیان‌کارگری دارد، می‌تواند خانم مِرکل را به درد سر بیندازد؟ قدرت کارگری در هر کشور بیشتر به مواردی از جمله منافع، حقوق و جدی بودن مسئله بیکاری بازمی‌گردد. خانم مِرکل به میزان قابل توجهی توانسته آلمان را از رکود خارج کند. اقتصاد آلمان امروزه بیش از اقتصاد سایر کشورهای اروپایی سر و سامان دارد، (رکود ندارد یا بسیار کم است). بیکاری در این کشور خیلی زیاد نیست، بیمه‌ها در جای خود قرار دارد، اخراج صورت نمی‌گیرد. بنابراین ممکن است کنفدراسیون‌ها به میزان کمی تأثیرگذار باشند، اما نمی‌توانند اکثریت را بخرند. لذا باید یک سری روابط و ریشه‌هایی برای تحت تأثیر قرار دادن نیروی کار و کارگری وجود داشته باشد که این موضوع در مورد آلمان صدق نمی‌کند. بنابراین بنده معتقدم که نتوان اکثریت نیروی کار آلمان را تحت تأثیر قرار داد.

یکی از انتقادات شدیدی که از جانب رهبران حزب سوسیال‌دموکرات آلمان به خانم مِرکل وارد می‌شود، تخصیص بودجه به هزینه‌های نظامی ناتو است. از سویی دیگر موضع‌گیری‌های ترامپ در مورد ناتو خیلی جالب نبوده و مشخصاً آلمان را خطاب قرار داده. نظر اکثریت این است که خانم مِرکل نباید در برابر موضع‌گیری‌های ترامپ کوتاه بیاید. تا چه اندازه این انتقاد را وارد می‌دانید؟ یکی از موفقیت‌های خانم مِرکل، مدیریت ترامپ بود. می‌توان گفت آلمان بعد از انگلیس مهم‌ترین متحد آمریکا است. آلمان یک کشور خشکی به حساب می‌آید، نزدیک به روسیه است و باید از بلوک شرق، کشورهای شرقی سابق که عضو ناتو شدند، دفاع کند و مسائل امنیتی جدی دارد.

بنابراین برای کشور آلمان، ایالات متحده اهمیت زیادی دارد. اما با سیاست‌های آقای ترامپ در زمینه‌های مختلف کاملاً با تضاد فکری روبه‌رو است. خانم مِرکل اگر می‌خواست برای آن ۲ درصد بودجه ناتو جواب صد درصد منفی بدهد، طبیعتاً با لاج بازی ترامپ روبه‌رو می‌شد.

مدیریت کند اما با درایت، او را بر سر موضع لجبازانه قرار نداد. مِرکل را می‌توان با اندکی بررسی و تحلیل برنده انتخابات ۲۰۱۷ آلمان دانست اما پس از آن مِرکل می‌تواند جهانی‌تر مدیریت کند! مثلاً با نشستن بر صندلی دبیر کلی سازمان ملل. در این باره با دکتر عبدالرضا فرجی‌راد کارشناس مسائل اروپا و ژئوپلیتیک به گفتگو پرداختیم:

به نظر شما جایگاه خانم مِرکل در فضای سیاسی آلمان، تا چه اندازه تثبیت شده است؟

این مسئله را می‌توان از چند بعد مورد بررسی قرار داد: ۱- وضع سیاسی خانم مِرکل که توانست در این مدت نسبتاً طولانی مدیریت سیاسی، نه تنها برای آلمان بلکه برای اروپا خود را جا بیندازد. ۲- مردم آلمان به طور نسبی و کلی از حاکمیت خانم مِرکل رضایت دارند. با این که وی از آلمان شرقی بود و انتظار می‌رفت که تجربه کمتری نسبت به غربی‌ها داشته باشد، اما یک مدیریت دموکراتیک را در پیش گرفت و توانست انتظارات را برآورده کند.

۳- در بحران‌های سال‌های گذشته و بحران‌هایی که همین اواخر در اروپا رخ داد، وی توانست شرایط را به خوبی کنترل و مدیریت کند. شاهد بحران‌های سنگینی در پرتغال، ایتالیا به ویژه در یونان بودیم. در واقع خانم مِرکل بار سنگینی را به دوش کشید و امروزه شاهد آن هستیم که به‌رغم تفسیرهای صورت گرفته، ایشان توانست بحران را مدیریت کند.

۴- بحران‌های تروریستی که در چند سال اخیر شاهد آن بودیم، در کنارش مسائل پناهندگی مردم خاورمیانه، از لیبی و سوریه گرفته تا افغانستان. در این بحران‌ها خطراتی اروپا را تهدید می‌کرد و هنوز هم تهدید می‌کند.

علاوه بر آن، پناهندگان زیادی وارد اروپا شدند و بحران‌های جدی ایجاد کردند. بعضی از کشورهای اروپایی برخورد نژاد پرستانه با پناهنده‌ها داشتند، اتفاقاً کشورهای بودند که از نظر سیاسی، اقتصادی و فکری به آلمان بسیار نزدیک بودند. مثل دانمارک، مجارستان، کروواسی و... آلمان در این کشورها سرمایه‌گذاری‌های زیادی انجام داده بود. کشور آلمان، به ویژه خانم مِرکل پناهنده‌ها را پذیرفت و خطرات زیادی را برای خود خرید. شاید اگر فرد دیگری به جز خانم مِرکل بود، این کار را نمی‌کرد. علی‌رغم انتقاداتی که به وی صورت گرفت و آماری که نشان از کاهش محبوبیت وی بود، باز هم از این موضع عقب نشینی نکرد. البته مردم آلمان در وهله اول پشتیبان وی بودند، اما بعد از عملیات تروریستی که در فرانسه، بلژیک و خود آلمان صورت گرفت؛ طبیعتاً باعث شد که محبوبیت وی کاهش یابد. اما با مدیریت خوب، این محبوبیت را تا حدودی افزایش داد. لذا توانست سروسامانی به پناهنده‌ها دهد، نیازهای کشورش را از نظر نیروی کار

این تحلیل شخصی که سایر نیروهای سیاسی اپوزیسیون درونی عراق، مانند ائتلاف‌های موسوم به متحدان، الوطنیه و العربیه به دلیل همسویی با قدرت‌های منطقه‌ای عرب، قادرند بر آینده عراق تأثیر پایدارتری داشته باشند. اینکه چنین تحلیلی از اوضاع چقدر منطبق با واقعیت است، بحث دیگری است و نیاز به گذر زمان و چگونگی برداشت دولت آقای عبادی از اوضاع وخیم کنونی دارد. من قادر به ارزیابی مستقل این نکته با توجه به شدت بحران جاری و مواضع رک‌دها در شمال عراق که آینده پر ابهامی را در برابر ما قرار داده نیست. اما این احتمال را دور از ذهن نمی‌دانم که مقتدی صدر در ارزیابی و تحلیل نهایی ساختار شکنانه خود از توزیع سنتی منابع قدرت در عراق پس از صدام حسین، به این نتیجه

عراق، شاید نه آنگونه که تصور می‌کنیم

ادامه از صفحه اول:

شرایط کنونی و آتی عراق مولفه‌های مذکور را برای او بی‌اثر و فاقد موضوع خواهد کرد. اگر نتواند درباره مشروعیت ادعایی و تداموی خود متناسب با آینده عراق تصمیمی اتخاذ کند. درک ابتدایی صدر از شرایط عراق (صرف نظر از میزان درستی آن) ظاهراً وی را متقاعد کرده‌اولاً با سایر نیروهای سیاسی که الزاماً شیعه نبوده و ملی‌گرا هستند روابط نزدیکی برقرار کنند. ثانیاً، برای بقا، به رویکرد سیاسی اش در عرصه دیپلماسی بین‌المللی، خصوصاً جهان عرب (مشخصاً در خلیج فارس) جنبه فراگیر تری بدهد. بیشتر تحت تأثیر